

اوقات فراغت در عصر فاوا!

کمتری از آن‌ها می‌گیرد، اما اگر قرار باشد بخش اعظم کار ما را روبات‌ها و ماشین‌های هوشمند انجام دهند چه می‌شود؟ فیلسوفان یونانی که این بحث را به گونه‌ای دیگر مطرح کرده‌اند، پاسخی برای آن دارند. به‌زعم آن‌ها بخشی از مردم صرفاً قابلیت کار کردن دارند و پاره‌ای دیگر فقط باید اوقات فراغت داشته باشند و در آن اوقات فراغت، وقت خویش را به تفکر و تأمل و یادگیری بگذرانند. پاسخ آن‌ها به این سؤال این نبود که باید در این اوقات به دنبال تفریح و خوش‌گذرانی رفت. آدم‌هایی در زمان آن‌ها یا روبات‌هایی در زمان ما کار می‌کنند و انسان‌های دیگر به دنبال گذران اوقات فراغت‌اند. از نظر ایشان، اوقات فراغت اوقات بیکاری نیست؛ اوقاتی است که ما توانایی تصمیم‌گیری آزاد را داریم، دیگر مجبور نیستیم کار کنیم تا زندگی‌مان تأمین شود و روبات‌هایی داریم که کار ما را انجام می‌دهند. این بحث را اگر به آموزش متصل کنیم، شاید بتوان آینده‌ خوبی را برای کار معلمی ترسیم کرد. اگر بخش زیادی از کارهای معلمان را، که در جهان امروز شامل یاد دادن و انجام وظایف جانبی مانند تصحیح ورقه، بررسی تکالیف و امثال این‌ها می‌شود و پاره‌ای از آن‌ها تکراری و در سطوح پایین یادگیری است، روبات‌ها یا ماشین‌های آموزشی هوشمند انجام دهند، معلمان از حجم کار فراوان، خلاص می‌شوند و فرصت تعامل و گفت‌وگوی بیشتری با دانش‌آموزان پیدا می‌کنند. شاید تصور این مطلب برای ما دشوار باشد ولی فراموش نکنید که سرعت فناوری در دو دهه اخیر آن قدر شگفت‌انگیز بوده است که هر چیزی را می‌توان تصور کرد. به نظر می‌رسد برای آن عصر هم باید چاره‌ای جست.

* پی‌نوشت‌ها

1. Vardi
2. Nanyang
3. Nadine

روزنامه تلگراف در ۱۴ فوریه ۲۰۱۶ گزارشی را به نقل از پروفیسور واردی^۱ منتشر کرد که براساس آن و به حسب پیش‌بینی او ظرف ۳۰ سال آینده، انسان با چالشی بزرگ مواجه خواهد شد که با توجه به آن باید به دنبال معنای جدیدی از زندگی باشد؛ زندگی‌ای که در آن، کار کردن ضروری نیست. بنابر گزارش این استاد دانشگاه، سرعت رشد ساخت روبات‌ها و کیفیت آن‌ها به گونه‌ای است که به‌نظر می‌رسد اغلب کارهایی که انسان انجام می‌دهد، در آینده‌ای نزدیک به روبات‌ها سپرده خواهند شد و این ظرفیت در سال‌های آینده به ظرفیت آدمی نزدیک خواهد شد. در دسامبر ۲۰۱۵ دانشگاه نانیانگ سنگاپور^۲ روباتی اختراع کرد که در این دانشگاه به‌عنوان مسئول پذیرش دانشگاه عمل می‌کند و خصوصیات ظاهری‌اش شبیه انسان است. این روبات که نادین^۳ نام دارد، به مراجعه‌کنندگان پاسخ می‌دهد، لبخند می‌زند، ارتباط چشمی برقرار می‌کند، دست می‌دهد، کسانی را که با او ملاقات کرده‌اند به یاد می‌آورد و براساس مکالمات قبلی، گفت‌وگویش را با آن‌ها ادامه می‌دهد. نکته‌ای که پروفیسور واردی به آن اشاره می‌کند و بر آن تأکید دارد، این است که به این ترتیب، نیمی از انسان‌ها بی‌کار می‌مانند و در این بیکاری، فلسفه زندگی برای آن‌ها رنگ می‌بازد؛ چون به نظر واردی، زندگی بدون کار بی‌معناست. به‌نظر می‌رسد که با پیشرفت علم، بار دیگر بحث‌های فلسفی آغاز می‌شوند. بعضی از فیلسوفان در عصر جدید معتقد بودند که رشد فناوری موجب می‌شود که انسان‌ها اثری خود را ذخیره کنند و به کارهای مهم‌تری برسند؛ مثلاً زنان که سالیان سال، کارهای روزمره زندگی مانند رخت‌شویی، پخت و پز و بسیاری امور دیگر زندگی را انجام می‌دادند، در پرتو تحولات فناوری، فرصت تحصیل، کار، هنرورزی و بسیاری از امور دیگر را پیدا کرده‌اند و ما شاهد بروز استعداد آن‌ها در مراتب عالی‌تری هستیم؛ مراتبی که وقت